

دروغ‌گویی کودکان و علل آن از نظر اسلام و روان‌شناسان

رضیه حسینی^۱، زینب هاشمی^۲

چکیده

دروغ‌گویی یعنی، کتمان واقعیت و بیان سخنی که واقعیت خارجی ندارد. این خصوصیت با اینکه در همه فرهنگ‌ها، ادیان و مکاتب، قبیح و ضدارزش بوده و در اسلام نیز به شدت مذمت شده است در بسیاری از کودکان به دلایل مختلف به صورت مکرر مشاهده می‌شود. با توجه به تأثیر ویژه دوران کودکی در شکل‌گیری شخصیت در بزرگسالی، پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی با بررسی منابع روان‌شناسی و اسلامی، چیستی و چرایی (علت‌های) بروز و یا تثبیت این رفتار غیرارزشی در کودکان را بررسی می‌کند. با بیان مختصری از انواع دروغ‌گویی، شرح علت‌هایی دروغ‌گویی مانند ترس از تنبیه، تقلید از والدین، کم‌رویی، جلب توجه، رهایی از فشار و سرزنش و... اشاره به آثار دروغ‌گویی مانند ایجاد شخصیت کاذب برای دروغ‌گو، رسوایی و بی‌آبرویی، بی‌ارزش شدن دروغ‌گو، فریب خوردن دیگران، بی‌اعتمادی و... روش‌هایی برای پیشگیری و یا درمان این رفتار مذموم توصیه شده است.

۱. مقدمه

انسان جهانی کوچک است (میبدی، ۱۴۱۱، ص ۱۷۵) و کودک جهانی نوظهور که در هر لحظه از زندگی‌اش در سایه‌سار حمایت‌های خانواده در حال شدن و شکل‌گیری است؛ جهانی که

۱. دانش‌پژوه مقطع کارشناسی علوم تربیتی از کشور پاکستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: hussaini0902@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم تربیتی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العامیه، قم، ایران.

Email: hashemizainab@gmail.com

ORCID ID: 0000000194087642

می‌تواند پاک و سرزنده باشد و حیات و زندگی دیگران را نیز رونق بخشد. در این میان و در تکاپوی رسیدن‌ها، رستن‌ها و رویش‌ها ممکن است علف‌های هرزی در باغستان‌های زیبای او بروید که بر شخصیت او تأثیر بگذارد. در این هنگام است که والدین با نهایت دقت و تعهد سعی در رفع این آفات و آسیب‌های آن دارند. یکی از این آسیب‌های مخاطره‌آمیز، دروغ‌گویی است؛ صفتی که سرآغاز انواع زشتی‌هاست و آثار و پیامدهای ناگواری برای خود کودک، اطرافیان و جامعه دارد. دروغ یکی از بدترین و بزرگ‌ترین گناهان در دین اسلام است که براساس فرمایشات دینی موجب خارج شدن انسان از جرگه ایمان (نحل: ۱۰۵)، لعنت خدا (نور: ۷)، ملائکه (مجلسی، ۱۳۶۸، ۲۶۳/۶۹) و عذاب اخروی (مشکینی، ۱۳۸۹، ص ۱۹) است. نوشتار حاضر باهدف تبیین جوانب دروغ‌گویی، علل و راه‌های درمان آن، پس از تعریفی از دروغ و کودک به انواعی از دروغ، علل، اثرات و راهکارهای درمان آن می‌پردازد.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. دروغ در لغت و اصطلاح

دروغ در لغت به معنی سخن نادرست، قول ناحق، خلاف حقیقت، مقابل راست، مقابل صدق و مترادف کذب است. (دهخدا، بی‌تا) از نظر روان‌شناسان دروغ تحریف آگاهانه واقعیت و بیان مطالبی است که با واقعیت و حقیقت هیچ ارتباطی ندارد و دروغ‌گو یعنی، شخصی که به دلایل مختلف مانند فریب دادن، ترس از تنبیه، رفع فشار و... به دیگران خلاف واقعیت را بیان می‌کند. دروغ وقتی محقق می‌شود که فرد با علم و شناخت و به صورت آگاهانه به تحریف حقیقت می‌پردازد و امری را تأیید می‌کند که وجود خارجی ندارد. بنابراین، بین دروغ گفتن و انکار کردن تفاوت وجود دارد. دروغ‌گویی به معنای عدم مطابقت محتوای سخن با واقعیت است، البته برخی آن را عدم مطابقت با تشخیصات و اعتقادات گوینده می‌دانند. دروغ بیان سخن و مطلبی است که براساس واقعیت و حقیقت نیست به گونه‌ای که بین آنچه توسط شخص بیان می‌شود

و آنچه که در جهان خارج وجود دارد، تفاوت است. (خان‌بیگی، ۱۳۹۰) در عرف نیز معنای دروغ با آنچه اهل لغت، فقها و علمای اخلاق بیان می‌کنند، مطابقت دارد (الطریحی، ۱۳۷۵).

۲-۲. کودک در لغت

کودک در لغت به معنی بچه، خواه پسر باشد یا دختر (عمید، بی‌تا) کوچک، طفل، صبی، نوباوه، خردسال (معین، بی‌تا) است. از نظر روان‌شناسی کودک موجودی است متفکر که جهان بینی خاص خود را دارد. هوش و جهان بینی کودک مانند جهان بینی انسان بزرگسالان پیچیده نیست، ولی برای کودک کافی است. عقل و واقعیت چنان در کودک درهم آمیخته‌اند که برای بزرگسالان جدا کردن این دو کار بسیار دشواری است. (بزرگی، ۱۳۹۰)

۳. نگاه کودکان و والدین به دروغ

تحقیقات نشان می‌دهد که حدود ۹۸٪ کودکان صداقت را امری ضروری و دروغ‌گویی را امری نادرست می‌دانند. براساس همین گزارش‌ها حدود ۹۶٪ کودکان به والدین خود دروغ می‌گویند. به همین دلیل بیشترین نگرانی و شکایت والدین از فرزندان مربوط به رفتار غیرصادقانه و یا دروغ‌گویی آنهاست. والدین مدعی هستند که در مورد اهتمام به نهادینه کردن این امر اخلاقی کوتاهی نکرده‌اند، اما فرزندان آنها دروغ‌گو بار آمده یا مغلطه‌گر و اهل اغراق در واقعیت‌ها هستند. در دو دهه اخیر تحقیقات بیانگر این مطلب است که صداقت بیش از هر ویژگی دیگری مورد توجه و نگرانی والدین بوده است. (دبیری و کاکویی، ۱۳۹۱) با وجود این میزان دغدغه‌مندی والدین همواره این سؤال به ذهن می‌رسد که چرا کودکان دروغ می‌گویند. آیا میان دروغ‌گویی کودکان و بزرگسالان تفاوتی هست یا نه. به‌طورقطع در دروغ گفتن کودکان مانند سایر انحرافات عاطفی و اخلاقی عوامل و انگیزه‌هایی دخیل هستند و زمینه‌های نیز موجب تشدید و یا شکل‌گیری این رفتار نامناسب و غیرارزشی می‌شوند. هرچند در بخشی از سنین نتوان نام آن را دروغ‌گویی گذاشت مانند دروغی که کودکان خردسال به دلیل عدم تفکیک بین حقیقت و مجاز، بیداری و خواب و رؤیا، تخیل و واقعیت می‌گویند، اما به‌هرحال این

حقیقت نگران کننده که امکان دارد با تبدیل شدن این رفتار نادرست به عادت رفتاری و کشیده شدن آن به بزرگسالی و حتی در همان دوران کودکی کودک، خانواده و اجتماع او دچار آسیب های جدی فراوان شوند موجب شده است والدین همچنان نسبت به این رفتار نادرست کودکان نگرانی شدیدی داشته باشند.

۴. انواع دروغ در کودکان

۴-۱. دروغ به دلیل اقتضای سن

بسیاری از کودکان که در مرز ۲ سالگی هستند برخی اوقات بین تخیل و واقعیت فرق نمی گذارند و طوری حرف می زنند که به نظر دروغ است، اما در این سنین کودکان درک درستی از مفهوم دروغ ندارند؛ زیرا خزانه لغات آنها بسیار محدود است. برای مثال کودک کلمه مامان را ممکن است در مورد هر زنی به کار ببرد؛ زیرا او هنوز مفهوم مادر را به درستی درک نکرده است. در مورد کودکان چهار تا پنج ساله نیز دروغ گویی در بیشتر موارد جنبه تخیلی دارد و کودکان بین زندگی واقعی و خیالات خود زندگی می کنند. آنها به همان جدیتی که از واقعیت های ملموس سخن می گویند از خیالات خود که برای آنها به همان اندازه اهمیت و جنبه واقعیت دارد، سخن می گویند. بنابراین، ممکن است دروغ گویی آنها بعد از شنیدن داستان های جذاب و دیدن فیلم های افسانه ای بیشتر شود. خوشبختانه در بیشتر موارد با بالا رفتن سن کودکان و درک درست از واقعیت و خیال، این مشکل برطرف می شود. (میلانی فر، ۱۳۷۹) باید توجه داشت که هرگاه کودکان واقعیت ها را وارونه بیان کردند همواره قصدشان دروغ گویی و یا رسیدن به اهداف خاص نیست و شاید نتوان این سخنان آنها را دروغ نامید. اصل دروغ و دروغ گفتن در کودکان بعد از سن چهار سال با دخالت های عوامل محیط و تربیت نادرست شکل می گیرد و گاه به شکل نوعی بیماری بروز می کند (سیف نراقی، و نادری، ۱۳۷۹).

۴-۲. دروغ فانتزی

آرزوهایی که کودک می‌خواهد به آنها برسد را گاهی با داشتن یک برادر و یا خواهر و با بیان اینکه خواهر و یا برادری دارد، بیان می‌کند.

۴-۳. دروغ بازی

تصویرسازی تخیلات خود به دیگران در مواردی کودکان تخیلات خود را واقعی بیان می‌کنند. مثل اینکه پس از تفکر در پرواز هواپیما و پرنده ناگهان بگویند که یک پرنده و هواپیما با هم تصادف کرده‌اند و او دیده است.

۴-۴. دروغ مبهم

دروغ مبهم یعنی، دروغ ناشی از ناتوانی در بیان درست حقیقت. گاه دریافت‌ها و یا بیان یافته‌ها برای کودک سخت است. بنابراین، یا به صورت مبهم سخن می‌گویند و یا از خزانه محدود ادراکی خود نزدیک‌ترین و یا ساده‌ترین مفاهیم و یا عبارات را بیان می‌کنند مثل اینکه از کودکی که هنوز درک کاملی از درد گوش و یا دندان ندارد، پرسیده شود: آیا دندان شما درد می‌کند.

۴-۵. دروغ پوچ

برخی از کودکان برای جلب توجه بزرگ‌ترها صحبت می‌کنند و درمیان این سخنان نه‌تنها ممکن است حرکات و یا سخنان نامربوط وجود داشته باشد، بلکه ممکن است از عبارت و یا جملاتی استفاده کنند که واقعیت ندارند.

۴-۶. دروغ انتقام‌جویانه

دروغ ناشی از نفرت. برای مثال گاه برای کودکی نسبت به کودک دیگر حسادت به‌وجود آمده است و او سعی می‌کند با دروغ گفتن انتقام خود را از او بگیرد.

۷-۴. دروغ محدود

دروغ ناشی از ترس یا انضباط شدید. کودکی که تحت فشار است برای رهایی از فشار می تواند دروغ بگوید.

۸-۴. دروغ خودخواهانه

دروغ حساب شده برای فریب دیگران. وقتی کودک برای به دست آوردن منافع دروغ می گوید مثل اینکه بگویند: «به هرکس نقاشی کشیده، جایزه می دهند» و کودک که فقط رنگ آمیزی کرده، ممکن است بگوید: «خودم کشیدم».

۹-۴. دروغ عرفی یا وفادارانه

برای دفاع و یا مراقبت از یک دوست. وقتی کودک برای حمایت از فرد مورد علاقه اش دروغ می گوید.

۱۰-۴. دروغ عاداتی

دروغی که در نتیجه یک الگوگیری و یا نتیجه گیری نامناسب صورت گیرد. (خادمی، ۱۳۹۹)

۵. علل دروغ گویی

۱-۵. ترس از تنبیه

هنگامی که از کودکان پنج ساله سؤال می شود که آیا همیشه دروغ اشتباه است ۹۲٪ می گویند بله. ۳۸٪ کودکان پنج ساله بی حرمتی به مقدسات را دروغ می دانند. بسیاری از کودکان فکر می کنند که فحش و ناسزاگویی دروغ است؛ زیرا در ذهن آنها دروغ باعث می شود که نصیحت یا تنبیه شوند. وقتی از آنها سؤال می شود که چرا دروغ گویی اشتباه است بیشتر آنها جواب می دهند: «مشکل دروغ گفتن این است که به دلیل آن تنبیه می شویم». بنابراین، طبیعی است که کودکان هرآنچه را موجب رهایی از تنبیه باشد درست بدانند، حتی اگر دروغ باشد. به همین دلیل کودکان برای اجتناب از تنبیه دروغ می گویند. یک کودک سه ساله ممکن است

بگوید: «من برادرم را کتک نزدَم»؛ درحالی که پدر و مادرش وی را درحال کتک زدن برادرش دیده‌اند (خادمی، ۱۳۹۹)، اما یک کودک شش ساله چنین اشتباهی را مرتکب نمی‌شود. وی درباره شیطنتش فقط وقتی حرف می‌زند که والدین بیرون از اتاق باشند (مظلومی، ۱۳۹۴).

۵-۲. کم‌رویی

برخی از بزرگسالان نیز به دلیل عدم توانایی در بیان نظر واقعی خود و یا به دلیل عدم توانایی در رد یا مخالفت با ایده و اندیشه دیگران و یا وجود برخی تعارف‌ها و بهانه‌های غیرمعقول به دروغ‌گویی روی می‌آورند. کودکان نیز به دلیل کم‌رویی و نداشتن توانایی‌های مناسب ارتباطی ممکن است مرتکب سخن نادرست و دروغ شوند.

۵-۳. فقدان درک و باور درست

میان دروغ و ایمان واقعی تضاد وجود دارد، چنانچه می‌گویند: «دروغ‌گو ایمان ندارد و دروغ از بی‌ایمانی و عدم باور سرچشمه می‌گیرد». بزرگسالان نیز اگر به اشتباه بودن دروغ‌گویی اعتقاد نداشته باشند یعنی، ایمان و باور کافی به حکم الله در مورد دروغ و عواقب آن نداشته باشند به راحتی مرتکب دروغ می‌شوند. کودکان نیز که باور کافی در مورد بدی‌ها و مضرات دروغ ندارد، ممکن است به راحتی دروغ بگویند.

۵-۴. تقلید از والدین

کودکان مثل دوربین‌های فیلمبرداری هستند. آنها هرچیزی را که ببینند و بشنوند ضبط می‌کنند و مانند همان را انجام می‌دهند. کودکان از کار کسانی که خیلی دوستشان دارند بیشتر تأثیر می‌گیرند. والدین نخستین کسانی هستند که کودکان از آنها تقلید می‌کنند. بنابراین، دروغ‌گویی ممکن است به دلیل تقلید از والدین صورت گیرد. برای مثال پدری که به دلیل بدهی زیاد در خانه نشسته است و به فرزندان خود می‌گوید: «اگر کسی به دنبال من آمد یا زنگ زد بگویند که بابا از شهر بیرون رفته است» الگوی دروغ‌گویی برای فرزند خود شده است (اکبری، ۱۳۸۵، ص ۹۵).

۵-۵. رهایی از فشار و مشکلات

بیشتر دروغ‌هایی که فرزندان به والدین می‌گویند برای سرپوش گذاشتن روی خطا و اشتباهی است که ناخواسته مرتکب شده‌اند، سپس برای اینکه والدین و دیگران از آن آگاه نشوند آن‌را مخفی می‌کنند و فشار والدین می‌تواند باعث دروغ‌گویی آنها شود.

۵-۶. جلب توجه کردن

برخی اوقات بزرگ‌ترها سرگرم بحث و گفت‌وگو باهم می‌شوند و کودک را که بین آنهاست فراموش می‌کنند. در این صورت کودک با بیان مسئله‌ای که واقعیت ندارد لب به سخن می‌گشاید تا توجه همه را به سوی خود جلب کند. (مظلومی، ۱۳۹۴)

۵-۷. رهایی از سرزنش

از آنجاکه کودک به طور ذاتی خودش را دوست دارد در مواردی که دچار خطا شود برای رهایی از خطر سرزنش و تمسخر تن به دروغ می‌دهد و برخلاف واقعیت سخن می‌گوید. برای مثال نوجوانی که مشروب می‌خورد یا مواد مخدر مصرف می‌کند برای پنهان کردن حقیقت اینکه کجا بوده و با چه کسی بوده و چه کاری انجام داده است بارها دروغ می‌گوید.

۶. آثار و پیامدهای سوء دروغ‌گویی

۶-۱. عامل اصلی و کلید وارد شدن به زشتی‌ها و پلیدی‌ها

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: «همه پلیدی‌ها و زشتی‌ها در خانه‌ای هستند که کلید آن دروغ است». (مجلسی، ۱۳۶۸، ۳۷۷/۷۸)

۶-۲. ایجاد شخصیت کاذب برای دروغ‌گو

دروغ‌گو خود و دیگران را به دردسر می‌اندازد و ایجاد مشکل می‌کند؛ زیرا تکرار دروغ‌گویی، شخصیت کاذبی برای فرد به وجود می‌آورد که همین شخصیت کاذب فرد را در خودشناسی دچار مشکل می‌کند و نمی‌گذارد آن‌طور که هست خودش را بشناسد و نقاط قوت و ضعف خود را ارزیابی کند. (اکبری، ۱۳۸۵، ص ۱۰۲)

۳-۶. گمراهی دیگران

افرادی که دروغ دیگران را می‌پذیرند به گمراهی کشیده می‌شوند. بنابراین، نوعی اختلال در گرایش‌ات فکری و اعتقادی آنها به وجود می‌آید که باعث تباهی و سستی عقاید می‌شود که بی‌شبهت به مکر و فریب نیست.

۴-۶. خراب شدن خانه ایمان

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: «دروغ خانه ایمان را ویران می‌سازد».

۵-۶. رسوایی و بی‌آبرویی

یکی دیگر از زیان‌های اجتماعی دروغ‌گویی، رسوایی است. دروغ پنهان نخواهد ماند و بالاخره روزی برملا خواهد شد و دروغ‌گو هرچه زیرک باشد سرانجام دروغش کشف خواهد شد.

۷-۶. بی‌ارزش شدن سخنان دروغ‌گو نزد مردم

یکی دیگر از زیان‌های دروغ‌گویی بی‌ارزش شدن سخنان دروغ‌گو نزد مردم است. (اکبری، ۱۳۸۵، ص ۱۰۲) دروغ‌گو اگر بالاترین ارزش‌ها را برای سخنش به دست آورده باشد همین‌که به دروغ‌گویی پردازد و مردم او را دروغ‌گو بدانند ارزش سخنش از بین می‌رود.

۸-۶. بی‌اعتمادی

اعتماد مردم بهترین راه موفقیت است و بیشترین موانعی که در راه وصول به هدف‌ها پیدا می‌شود به دلیل جلب اعتماد مردم برطرف می‌شود، اما دروغ‌گو خود را از این نعمت محروم می‌کند و در نتیجه کسی که مورد بی‌اعتمادی قرار می‌گیرد باید از جامعه کناره‌گیری کند.

۹-۶. ذلت و خواری

دروغ‌گو همین‌که به دروغ‌گویی مشهور شد خواه در حضور و خواه در غیاب مورد استهزای مردم قرار می‌گیرد.

۶-۱۰. نابودی جامعه

وقتی صداقت و راستگویی آسیب ببیند کل جامعه صدمه دیده و وقتی راستگویی از بین برود جامعه نابود شده و از هم می پاشد.

۶-۱۱. ناراحتی های روانی

روان نیز از شر دروغ در امان نیست. از جمله زیان های روانی که دروغ گویی به بار می آورد ناراحتی های درونی است. فراموشی یکی از بیماری های روانی است که دروغ گو به آن دچار می شود. در مثل است که: «دروغ گو کم حافظه است».

۶-۱۲. بی اعتمادی به دیگران

دروغ گو چون خودش دروغ می گوید این طور تصور می کند که دیگران نیز دروغ می گویند. شخص دروغ گو در نهایت مجبور است برای حفظ دروغی که گفته است بازهم دروغ بگوید. دروغ گویی در کودکان باعث بروز انواع اختلالات فردی و اجتماعی می شود به همین دلیل باید به این مشکل رسیدگی شود.

۷. روش های درمان و اصلاح دروغ گویی

۷-۱. کشف و برطرف کردن علت دروغ گویی کودک

باید دانست چرا کودک دروغ می گوید و چه انگیزه و علتی او را به دروغ گفتن وامی دارد. چنانچه بیان شد دروغ گویی علت های گوناگون دارد که رفع آنها اولین راه برای ممانعت از این رفتار است. برای مثال اگر کودک در اثر اشتباهی در بیان تخیل و واقعیت دروغ گفته است باید متوجه تفاوت بین واقعیت و خیال شود. برای نمونه می توان تفاوت بین واقعیت و تخیل را با کودک تمرین کرد. آیا یک حیوان می تواند تبدیل به انسان شود یا یک خانم جادوگر یا یک پری واقعی وجود دارد. بعد از مطرح کردن این گونه پرسش ها درباره اینکه آیا امکان و قوانین چنین چیزی های وجود دارد یا نه با کودک صحبت شود. آن گاه شرح داده شود که چرا بله و چرا نه؛ یعنی، به کودک کمک شود تا تفاوت بین رؤیا و واقعیت را دریابد. «پسری به همسایه می گفت که

من در خانه سگ دارم» و در حال توصیف سگ پشمالو و زیبایی بود در حالی که او سگ نداشت. مادرش گفت: «درست است که او گاهی با سگ پارچه‌ای خود بیرون می‌رود، قلاده‌اش را می‌گیرد و صدای سگ از خودش درمی‌آورد، ولی هنوز یک سگ واقعی ندارد». بنابراین، مادر می‌تواند به کودک پیشنهاد کند تا به دوستانش بگوید که شوخی کرده است.

استفاده کودکان از تخیل در انکار واقعیات جنبه مهم رشد و صیانت نفس است، اما هنگامی که این امر تا بزرگسالی ادامه یابد تبدیل به دروغ گفتن بیمارگونه می‌شود؛ یعنی دروغ‌گویی غیرقابل کنترل. چنین فردی کنترلی بر دروغ‌گویی خود ندارد. بسیاری از افراد با دروغ‌گویی بیمارگونه، نشانه‌هایی از اختلال نقص توجه یا بیش‌فعالی دارند. این اختلال قبل از ۷ سالگی شروع می‌شود. کودک بیش‌فعال نمی‌تواند آرام بنشیند، در بازی‌های گروهی تحمل رعایت نوبت را ندارد، قبل از اینکه سؤال تمام شود، پاسخ می‌گوید، حواسش به راحتی پرت می‌شود، زیاد صحبت می‌کند، در کار دیگران دخالت می‌کند و به نظر می‌رسد به چیزی که به او گفته می‌شود، توجه ندارد. (پورافکاری، ۱۳۸۸، ص ۱۳۳) فارغ از درمان این اختلال و اینکه تا چه میزان و یا تا چه سنی قابل معالجه است مشکلات ثانویه آن را تا حدودی می‌توان با شیوه‌های درمانی مانند داروهای درمانی، رفتارهای درمانی و اصلاح شناخت‌ها که بسیار مهم‌تر و مفیدتر از سایر شیوه‌هاست درمان کرد. از دیگر عوامل دروغ‌گویی در کودکان، اختلالات وسواسی و بی‌اختیاری یعنی، تفکرات تکراری، دست‌وپاگیر، مزاحم و کلیشه‌ای است. (نقل از سیف نراقی و نادری، ۱۳۷۹، ص ۱۰۶) این مشکلات نیز تا حدود زیادی با دارو و یا روش‌های دیگر قابل درمان هستند.

۷-۲. ایجاد محیط سالم در خانه

خانواده‌ها باید اهمیت صداقت را در زندگی شخصی خود در نظر بگیرند. در بیشتر مواقع این کردار و رفتارهای والدین است که به فرزندان نشان می‌دهد صداقت و راست‌گویی امری ارزشمند و قابل تقدیر است هرچند به طور صریح آن را بیان نکنند. یکی از والدین می‌گوید: «به فرزندانم

یاد دادم که دروغ‌گویی مال آدم‌های بد و جادوگرهاست. آدم‌های خوب و فرشته‌ها هرگز دروغ نمی‌گویند». این پیام باعث می‌شود که کودکان استنباط کنند کسی که آدم خوبی است، می‌تواند به صداقت در گفتارش اعتماد کرد. این موضوع برای کودکانی که می‌بینند والدین یا اطرافیان‌شان برای رسیدن به اهدافشان دروغ می‌گویند، گیج‌کننده است. از آنجاکه در کودکی جنبه نقش‌پذیری و تقلید در کودک بسیار فعال است محیط خانه و تربیت کودک باید بدون هرگونه دروغ و فریب باشد.

۷-۳. ایجاد ارتباط صمیمانه و احساس اعتماد در کودکان

بسیاری از کودکان به این دلیل به بزرگ‌ترها دروغ می‌گویند که فرصت و امکان راستگویی از آنها گرفته شده است. اگر به کودکان گفته شود که آزاد هستند، آنها نیز بدون ترس و وحشت از تنبیه و سرزنش، مسئله و مشکلات خود را با بزرگ‌ترها درمیان می‌گذارند و نیازهای خود را به آنها می‌گویند و دیگر مشکل دروغ‌گویی نخواهند داشت. محیط صادقانه و صمیمی در تربیت و اصلاح افراد مؤثر است.

۷-۴. ایمن کردن کودک از تنبیه و مجازات

برای درمان دروغ‌گویی کودک هرگز نباید به تنبیه متوسل شد؛ زیرا این نوع درمان، سطحی بوده، بازدارندگی موقت دارد و این رفتار ناپسند را از بین نمی‌برد. تنبیه و سرزنش برای مواردی است که عمدی در کار باشد. همچنین اگر در همان کار عمدی نیز حرف راستی گفته شود باید میزان مجازات کمتر در نظر گرفته شود. کودکان باید در خانه احساس آرامش و اطمینان کنند و مطمئن باشند که خطای غیرعمدشان بخشوده می‌شود.

۷-۵. تحسین راستگویی کودک

کودک را برای راستگویی اش تحسین کنید. این روش ساده‌ترین راه برای تشویق به راستگویی است. مطمئن شوید که تحسین کودک متناسب با سنش باشد. برای مثال اگر با کودک سه یا چهارساله‌ای روبه‌رو شوید که شیشه مربا را شکسته است و خاموش است به جای اینکه بگوید

من نکردم می‌گوید: «بخشید» به او بگویید که از راستگویی او خیلی خوشحال شدید و بعد جریمه‌ای برای شکستن شیشه مربا تعیین کنید. برای راستگویی به کودک پاداش دهید. اگر کودک راست بگوید که کجا بوده به او بگویید از این به بعد به او اطمینان دارید و به او اجازه می‌دهید که به جاهای بیشتر برود. اگر دیدید که همیشه کودک سروقت برمی‌گردد و فقط به محل مجاز می‌رود این رویه را ادامه دهید و به او اطمینان کنید. اگر کودکتان قبل از اینکه شما بفهمید نزد شما آمد و گفت که چه کاری کرده، او را کمتر از حالت معمول تنبیه کنید، البته اجازه ندهید کودک از این روش برای فریب دادن استفاده کند. وقتی رفتار راستگویی در کودکی تقویت و تثبیت شد باید تحسین‌ها و پاداش‌ها کم‌کم حذف شوند، حتی می‌توان دفتری که برای راستگویی کودک تهیه شده و هر روز اعمال و رفتار خوب کودک مانند راستگویی در آن نوشته می‌شود در حضور کودک برخی از یادداشت‌ها را برای افراد دیگر خواند.

۶-۷. پذیرش کودک از طرف والدین

والدین و مربیان باید نشان دهند که آماده پذیرش کودک و حتی خطاهای او هستند، حاضر هستند به حرف‌های وی گوش دهند و به احساسات و عواطف وی احترام بگذارند، در برابر لغزش وی خشونت به خرج ندهند و آبرویش را در جامعه حفظ کنند. این امر زمینه و امکان دروغ‌گویی را از کودک می‌گیرد و او را در مسیر اصلاح قرار می‌دهد.

۷-۷. رازدار بودن والدین

برخی از کودکان حقایق خود را با والدین در میان نمی‌گذارند؛ زیرا احساس می‌کنند که آنها رازدار نیستند و اگر حقیقت مسئله را بدانند آن را بین بقیه بازگو می‌کنند و در آن صورت آبروی کودک می‌رود. اگر کودک احساس کند آبرویش رفته است شخصی خطرناک خواهد شد و همیشه فتنه‌گر و دروغ‌گو خواهد بود. همواره باید در مورد حرف‌هایی که کودک می‌زند، تأمل کرد.

۷-۸. نصیحت کردن فرزند

نصیحت کردن در کودکان بیشتر تأثیر دارد؛ زیرا آنها هنوز از فطرت پاک و عادت پاکیزه خود فاصله چندانی نگرفته‌اند و درون ضمیرشان پاک و صاف است. بیان اینکه خدا از آدم دروغ‌گو راضی نیست می‌تواند در بازداشتن او از این کار تأثیر داشته باشد. بهتر است والدین به کودک بفهمانند که خود آنها هم وقتی به سن کنونی فرزندان خود بودند خطاهایی از آنها سر زده است که با ارائه راه‌های صحیح از طرف بزرگان خانواده اصلاح شده‌اند.

۷-۹. محدود کردن توقعات از کودک

نباید از فرزند انتظار داشت که همه خواسته‌های بزرگ‌ترها را برآورده کند.

۷-۱۰. محبت کردن به فرزندان

باید به فرزند محبت کرد به طوری که وی گرمی و لذت محبت را بچشد و احساس کند. محبت باعث می‌شود که کودک نیازهای خود را به دروغ مطالبه نکند و به سمت دروغ گفتن نرود. محبت او را وادار می‌کند در مسیری حرکت کند که والدین برای او ترسیم کرده‌اند.

۷-۱۱. بیان عواقب و نتایج دروغ‌گویی

کودکان سن و تجربه‌ای ندارند تا در سایه آن بتوانند آینده خود را آن‌چنان که هست، ببینند و تجربیات زیادی هم ندارند که بتوانند عواقب نامطلوب وضعی را که در اثر دروغ پدید خواهد می‌آید درک کنند. در اینجاست که والدین و مربیان می‌توانند به کمک داستان‌های مربوط به دروغ‌گویی و بیان نتیجه آن، کودک را راهنمایی کنند، البته داستان‌گویی از همان سنین نوباوگی و زمانی که کودک هنوز وارد این مرحله نشده، مؤثرتر است.

۷-۱۲. اعلام نارضایتی والدین

والدین با نشان دادن حالت‌ها (غیرکلامی) و بیان خود (کلامی) به کودک تفهیم کنند که از عمل او راضی نیستند، دوست ندارند دروغ او را بشنوند و از اینکه او در حضور جامعه دروغی به این بزرگی گفته است، خوشحال نیستند. والدین باید در مواردی با نشان دادن قیافه مظلومانه و

حق به جانب به او نشان دهند که آبرویشان با این دروغ رفته است و آنها از این مسئله ناراحت هستند. باید مسئله را به گونه ای در ذهن کودک بزرگ کرد که تا دیگر این حالت تکرار نشود.

۷-۱۳. بیان شرایط ارزشمند بودن کودک

والدین و مربیان باید به کودک بگویند که اگر برای او ارزش و احترام قائل هستند به دلیل صداقت اوست و اگر صداقت و درستی را رعایت نکند در بین مردم احترام خود را ازدست می دهد. باید به کودک بگویند که باید به آن اندازه از رشد اخلاقی برسد که اگر راستگویی به ضرر و زیان او هم باشد باز راست بگوید و صراحت و قاطعیت را از دست ندهد. کودکان و حتی بزرگسالان باید بدانند که محبوبیت ارزشمند با راستگویی به دست می آید نه دروغ و فریب کاری. بنابراین، به او امید حرکت و تلاش دهند و او را آزاد بگذارند تا خود را بیازماید و قدرت و ظرفیت خود را کشف کند و برای اثبات ارزش وجود خود نیازمند به دروغ گویی نباشد.

۷-۱۴. ندادن فرصت دروغ گویی به کودک

اگر فرد نتواند کسی را از دروغ گویی بازدارد باید از اینکه قربانی دروغش شود، اجتناب کند. تنها عامل کلیدی دروغ گویی که فرصت دادن به شخص دروغ گوست. باید با ندادن فرصت به او باعث عدم دروغ گویی شد.

۷-۱۵. ایجاد احساس ناخوشایند به دروغ و دروغ گویی

تکرار دروغ گویی در کودکان باعث سرخوردگی او می شود. برای مثال وقتی فرد سرگرم دروغ گویی است باید با قیافه ای گرفته، بدون لبخند و بدون تأیید با او مواجه شد و در برابر حرف هایش بی تفاوت بود. باید میان صحبت هایش با فرد دیگری صحبت کرد و موضوع بحث را عوض کرد تا متوجه شود که موفق نشده است. پس درمان دروغ گویی می تواند شامل: درمان های پیش گیرانه، روان درمانی، رفتار درمانی، جلسات مشاوره، دارودرمانی و درمان های دیگر باشد.

۸. نتیجه گیری

محیط خانواده مهمترین عامل سازنده شخصیت فرزند است و والدین نخستین الگوی کودک هستند. بنابراین، باید ابتدا خود والدین راستگو و درست‌کردار باشند و نباید بین اعمال و اندرزهایی که به کودک داده می‌شود تفاوت وجود داشته باشد. دوم اینکه والدین باید بدانند که استفاده از تنبیه نمی‌تواند دروغ را از ذهن کودک پاک کند، بلکه تنها به طور موقت جلوی دروغ‌گویی وی را فقط در نزد ایشان می‌گیرید و کودک در فرصت مقتضی به این کار اقدام می‌کند. برای درونی کردن راستی و درستی در کودکان باید آماده شنیدن حقایق تلخ و شیرین از زبان کودک بود. باید به کودک اجازه داد تا احساسات مثبت و منفی خود را بدون ترس بیان کند. عکس‌العمل در مقابل حرف‌های کودک زمینه فکری او را در مورد فایده و مضرات راستگویی شکل می‌دهد. هرگز نباید کودک را در مورد موضوع خاصی سؤال پیچ کرد. افرادی که مورد بازخواست قرار می‌گیرند ناراحت و دست‌پاچه می‌شوند به‌ویژه اگر شک کنند که طرف مقابل جواب سؤال را می‌داند. بنابراین، باید از مطرح کردن سؤال‌هایی که جنبه تله و دام دارد و کودک را وادار به دروغ‌گویی می‌کند، پرهیز کرد.

فهرست منابع

۱. احدی، حسن، و جمهری، فرهاد (۱۳۸۴). روان‌شناسی رشد. تهران: انتشارات بخشایش.
۲. اطهری، زینب‌السادات، دهقان کاشانی، لیلا، و سربندونی، دانیال (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی دروغ‌گویی از دیدگاه مکتب اسلام، دروغ کذب و دروغ‌گو رذیله اخلاقی. شیراز: کنفرانس جهانی روان‌شناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی در آغاز هزاره سوم.
۳. اکبری، ابوالقاسم (۱۳۹۳). مشکلات نوجوانی و جوانی. تهران: نشر ساوالان.
۴. اسدی، حبیب بن مظاهر (الطریحی) (۱۳۷۵). مجمع البحرین و مطلع النیرین، غریب القرآن. تهران: نشر مرتضوی.
۵. بزرگی، خدیجه، و دیگران (۱۳۹۰). بررسی تحول مفهوم دروغ در کودکان ۵ تا ۱۱ ساله شهر تهران. تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشکده علامه طباطبائی.
۶. بوالهروی، جعفر (۱۳۷۴). بهداشت روان. انتشارات بشری.
۷. پنتلی، الیزابت (۱۳۸۴). راهنمای کامل تربیت کودک. مترجم: قیطاسی، اکرم. تهران: انتشارات صابرین.
۸. پورافکاری، نصرت‌الله (۱۳۸۲). فرهنگ جامعه روان‌شناسی - روان‌پزشکی انگلیسی - فارسی. تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
۹. پیازه، ژان (۱۳۷۹). قضاوت‌های اخلاقی کودکان. مترجم: امیری، محمدعلی. تهران: انتشارات نی.

۱۰. خادمی، مرضیه (۱۳۹۹). دروغ‌گویی در کودکان و راهکارهای درمان آن. دومین کنفرانس ملی پژوهش‌های حرفه‌ای در روان‌شناسی و مشاوره دستاوردهای نوین در علوم تربیتی و رفتاری با رویکرد از نگاه معلم.
۱۱. خان‌بیگی، حمزه (۱۳۹۱). نگاهی به آموزه‌های دینی درباره دروغ. نشریه ندای اسلام، پیاپی ۵۱، ۴۲-۴۵.
۱۲. دبیری، عاطفه، و کاکویی، مرضیه (۱۳۹۱). دروغ‌گویی کودکان و روش‌های اصلاح و درمان آن. تهران: نشر ایماز.
۱۳. دهخدا، علی‌اکبر (بی‌تا). لغت‌نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
۱۴. سیف‌نراقی، مریم، نادری، عزت‌الله (۱۳۷۹). اختلالات رفتاری کودکان و روش‌های اصلاح و ترمیم آن. تهران: انتشارات بدر.
۱۵. سیلان طوسی، علی‌اصغر (۲۰۰۶). دروغ بررسی عوامل مؤثر بر دروغ‌گویی. مشهد: دانشگاه فردوسی.
۱۶. علیزاده، حمید (۱۳۸۲). اختلال نارسایی توجه/فزون جنبشی، ارزیابی و درمان. تهران: انتشارات رشد.
۱۷. کرین، ویلیام سی (۱۳۸۲). پیشگامان روان‌شناسی رشد. مترجم: فدایی، فرید. تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۸. کی‌نیا، مهدی (۱۳۸۱). روان‌شناسی جنایی. تهران: انتشارات رشد.
۱۹. گاربر، استقن، و دیگران (۱۳۸۸). چگونه با کودک رفتار کنیم. مترجم: خزعلی، شاهین، و دیگران. تهران: انتشارات لک‌لک.
۲۰. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۳۶۸). بحارالانوار الجامعه لدرر الاخبار الاثمه الاطهار. بیروت: نشر دار احیاء التراث العربی.
۲۱. مشکینی، علی (۱۳۸۹). نصایح، سخنان چهارده معصوم علیهم‌السلام و هزارویک سخن. مترجم: جنتی، علی. قم: نشر الهادی.
۲۲. مظلومی، نیلوفر (۱۳۹۴). دروغ‌گویی و علل آن در کودکان. کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روان‌شناسی و علوم اجتماعی، ۲۷ آبان. تهران: مرکز همایش‌های بین‌المللی صدا و سیما.
۲۳. معتمدی، زهرا (۱۳۷۴). رفتار کودک. تهران: انتشارات لک‌لک.
۲۴. میبیدی، حسین بن معین‌الدین (۱۴۱۱). دیوان امیرالمؤمنین علیه‌السلام. محقق: زمانی، مصطفی. قم: نشر دار نداء الاسلام.
۲۵. میلانی‌فر، بهروز (۱۳۷۹). روان‌شناسی کودکان و نوجوانان استثنایی. تهران: انتشارات قومس.
۲۶. ون مانن، ماکس، لورینگ، باس (۱۳۸۰). روان‌شناسی رازهای کودکی. مترجم: شاه‌تبریزی، شاهرخ. تهران: انتشارات گفت‌مان خلاق.
۲۷. هرگنهان، بی‌فر، والسون، میتواچ (۱۳۸۶). مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری. مترجم: سیف، علی‌اکبر. تهران: انتشارات دوران.

